

بررسی وضعیت کنونی منطقه آسیای جنوب غربی (مبانی همگرایی منطقه آسیای جنوب غربی)

حسین آگهی^۱، فارس عبدی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۱۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۲۵

چکیده

تأسیس سازمان همکاری‌های منطقه‌ای (اقتصادی، سیاسی و امنیتی، فرهنگی، علمی و...) تشکیل سازمان کشورهای تولیدکننده گاز، شورای امنیت منطقه‌ای، دادگاه عدالت اسلامی منطقه‌ای، تأسیس پارلمان بین‌المجالس، تأسیس دانشگاه‌های منطقه‌ای، جرح و تعدیل تعرفه‌ها در امر تجارت آزاد، ایجاد واحد پول مشترک و... توسط کشورهای منطقه می‌تواند راهگشای برپائی و ایجاد کنفدراسیون منطقه‌ای باشد. هدف از نگارش این مقاله، بررسی شرایط، ویژگی‌ها و مختصات کشورهای منطقه با در نظر گرفتن اشتراکات تمدنی، زبان، دین، شاخص توسعه انسانی (H.D.I)، جایگاه ژئوپلیتیکی، قابلیت‌های تولید و نقش آفرینی منطقه‌ای در عرصه تحولات سیاسی، علمی و فرهنگی، و اقتصادی می‌باشد. این تحقیق بصورت تحقیق کتابخانه‌ای (Library Research) و با تکیه بر مستندات و اسناد انجام گرفته است. در این نگارش تحقیقی، از رویکرد پراتیک منطقه‌گرایی (Regionalism) که زمینه ساز ظهور همگرایی (Integration) منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای است، استفاده می‌گردد که جزو راهکارهای مناسب، برای بسط و توسعه مناسبات سیاسی و اقتصادی، تجاری و فرهنگی کشورهای منطقه است.

واژه‌گان کلیدی: توسعه، سند چشم‌انداز بیست‌ساله، ژئوپلیتیک، جهانی سازی، اکو، همگرایی، آسیای جنوب غربی.

۱- دانشیار دانشگاه رازی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول)

۲- دانش آموخته کارشناسی ارشد توسعه روستایی.

مقدمه

جهانی سازی در ادبیات توسعه به عنوان واقعیتی شناخته شده در عرصه های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در جهان معاصر است. این پدیده و به تبع آن سازمان تجارت جهانی، و سیاست های منفعت طلبانه غرب بویژه آمریکا و ناتو در منطقه، تحولات سریع و عمیقی را در ساختار مناسبات جهانی بوجود آورده است.

شرایط سیاسی و امنیتی، وسعت جغرافیایی، جمعیت، موقعیت ژئوپلیتیکی، پیشینه های تاریخی، اشتراکات فرهنگی و اجتماعی حاکم بر منطقه و جهان، ارائه رهیافت جدیدی از تعاملات سازنده و همکاری ها در شکل گیری قطب ها و الگوهای توسعه منطقه ای، ضروری می باشد.

حوزه آسیای جنوب غربی با برخورداری از منابع ملی و مواهب طبیعی و قرار گرفتن در جغرافیای ژئواستراتژیک جهان می تواند منشاء تحولات جدیدی در سطح جهان به عنوان یک قطب نیرومند در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... بوده و نقش برجسته خود را در جهت گیری های کلی به ویژه در روند مناسبات سیاسی - اقتصادی در ابعاد منطقه ای، فرا منطقه ای و بین المللی ایفا نماید.

اقتدار ایران در دستیابی به فن آوری صلح آمیز هسته ای، تکنولوژی های نانو، تحقیقات سلول های بنیادی و کلونینگ، توانمندی های خاص نظامی جهت دفاع و بازدارندگی، مقام اول صادرات بعضی محصولات کشاورزی، صنایع دستی و سدسازی، داشتن توان مدیریتی و قدرت اداره منطقه ای، کسب مقام جهانی در المپیادهای علمی و ورزشی، موقعیت ژئوپلیتیکی در (دریای خزر، خلیج فارس، آسیای میانه، قفقاز، و خاورمیانه)، نقش محوری در حل و فصل مناقشات منطقه، مسیر مناسب انتقال منابع انرژی، امنیت آفرینی، همگرایی با

کشورهای آسیایی در چارچوب توافقات (اکو، شانگهای، و...)، وسند چشم‌انداز بیست ساله به عنوان استراتژی ملی بر اهمیت منطقه‌گرایی و مرکزیت ایران به عنوان کانون منطقه‌ای افزوده است.

قبل از پرداختن به مبحث اصلی (همگرایی در منطقه آسیای جنوب غربی) بنابه احساس ضرورت، اشاره‌ای گذرا به جهانی سازی می‌شود:

جهانی سازی

جهانی شدن (Globalization) متأثر از نظریه دهکده جهانی (Global village) مارشال مک لوهان جامعه شناس کانادایی و عاریه از نام از کتاب «اکتشافات در ارتباطات» وی می باشد که در آخرین دهه‌های سده بیستم توسط رابرتسون و تئودور لویت در ادبیات توسعه بین الملل رایج گردید (رابرتسون، ۱۳۸۰).

جهانی سازی فرآیند بین المللی شدن ارتباطات مالی جهانی و توسعه بازارهای اقتصادی است که در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز نمود یافته است. روند جهانی شدن که همان جهانی سازی است، ریشه در به جریان افتادن تجارت بین المللی سرمایه دارانه و به ویژه در انقلاب صنعتی دارد (رئیس دانا، ۱۳۸۳).

جهانی شدن پروسه‌ای هدایت شده و از پیش برنامه ریزی شده از سوی غرب، واقعیت اجتناب ناپذیر عصر حاضر است، بنابر این توسعه ملی و عظیم بنیان اقتصادی و سیاسی در درون مرزهای ملی، مستلزم با نظام جهانی است (سجادی، ۱۳۸۳).

جهانی شدن تحت تأثیر جریان‌ات و الگوهای اجتماعی و اقتصادی فراقاره ای است که جامعه جهانی باتوافقات تجارت آزاد و یکپارچگی بازارهای مالی، مرزها و فاصله ها

رابر داشته و با افزایش دسترسی به روابط قدرت در مناطق وقاره ها، جهان را به عنوان یک واحد کل متحد می کند (اسلام زاده، ۱۳۸۶)، و وجه مشترک آن پیدایش یک فرهنگ جهانی است که در آن هم فرهنگ‌های مختلف قومی و ملی و هم یک فرهنگ مشترک جهانی قرار دارد.

سازمان تجارت جهانی^۱ محصول ۵۰ سال مذاکره ممتد و پیچیده تجاری بین کشورهای عضو موافقتنامه گات^۲ است که از ابتدای سال ۱۹۹۵ کار خود را آغاز کرده و تنها سازمان بین المللی IGO است که بر تجارت جهانی نظارت دارد (تقی زاده انصار، ۱۳۸۰) و رسماً نهاد گسترش جهانی سازی است. این سازمان برای ایفای حقوق و تعهدات متقابل و اهدافی نظیر بالا رفتن سطح زندگی مردم، رسیدن به اشتغال کامل، افزایش مداوم درآمدها، استفاده کامل از منابع جهان، و توسعه اقتصادی کشورها تکیه دارد (سعیدیان، ۱۳۷۱). در حال حاضر ۱۴۸ کشور عضو گات، به عضویت W.T.O درآمده و ۳۰ کشور نیز مراحل عضویت (مذاکره) رامی پیمایند. ۴/۵ اعضاء نیز کشورهای در حال توسعه هستند (تقی زاده انصار، ۱۳۸۰). مزید یادآوری ۹۶ درصد تجارت جهانی در این سازمان جهانی صورت می گیرد (شیخ عطار، ۱۳۸۴).

مطالعات صورت گرفته بر روی آزادسازی تجارت نشان می دهد که آزادسازی موجب اثرات مثبت اقتصادی خواهد شد، و اگر بدرستی هدایت شود می تواند هم به سود کشورهای در حال توسعه بوده و هم منافع زیادی را برای کشورهای توسعه یافته به همراه آورد (سلطانی، ۱۳۸۶).

1. (W.T.O) World Trade Organization

2. موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت (GATT) General Agreement on Tariff & Trade

باتوجه به مطالب مطروحه فوق عمیقاً استنباط می‌گردد: که بدون همکاری و برقراری مناسبات با کشورها و سازمان‌های بین‌المللی تأثیر گذار جهانی، نیل به اهداف بلند مدت و حتی میان مدت به سهولت قابل دستیابی نیست، زیرا تحولات جهانی با تأثیر گذاری سریع و عمیق در ساختار مناسبات جهانی، شکل‌گیری قطب‌ها و ایجاد راهبردهای توسعه منطقه‌ای رامنحوم ساخته است، بنابراین ایران برای تبدیل به کشوری توسعه یافته و نقش آفرین در سطح منطقه، نیازمند ارائه و تدوین دکترینی متناسب با اهداف توسعه منطقه‌ای در عرصه روابط و تعاملات سازنده و موثر با دیگر کشورها می‌باشد.

با عنایت به پیشینه‌های تاریخی، اشتراکات دینی، فرهنگی و اجتماعی، ظرفیت‌ها و مزیت‌های نسبی و مطلق کشورهای منطقه و نیاز به تعاملات دویا چندجانبه، سازماندهی یک الگوی همکاری جمعی برای تحقق توسعه منطقه‌ای در بخش آسیای جنوب غربی، ضروری به نظر می‌رسد، لذا اشاره مختصری به موقعیت جغرافیایی منطقه و حوزه‌های ژئوپلیتیک مربوطه داریم.

منطقه «آسیای جنوب غربی»

منطقه آسیای جنوب غربی بخشی از قاره پهناور آسیا شامل ۲۵ کشور در پنج حوزه ژئوپلیتیک مهم جهان (آسیای مرکزی، قفقاز، شبه قاره، خلیج فارس و خاورمیانه)، با حدود ۱۲ میلیون کیلومتر مربع وسعت و جمعیتی بیش از ۵۰۰ میلیون نفر می‌باشد، و در بین قاره‌های آفریقا، اروپا و سرزمین‌های روسیه، چین و هند قرار دارد.

اطلاق منطقه پنج ضلعی به «حوزه کشورهای آسیای جنوب غربی» از طرف آقای دکتر محسن رضائی ضمن بودن اسمی بامسما، به نوعی یادآور درهم شکستن دژها و استحکامات

تسخیرناپذیر ارتش بعث عراق در منطقه شلمچه موسوم به «پنج ضلعی» در عملیات غرور آفرین کربلای پنج سال ۱۳۶۵ می‌باشد.

منطقه آسیای جنوب غربی، یک واقعیت طبیعی است و به عنوان یک منطقه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی می‌تواند به سوی یک واحد سیاسی حرکت کند؛ واحد سیاسی می‌تواند پایه‌گذار نظم منطقه‌ای به عنوان نقش مکمل هژمون‌های منطقه‌ای جهت برقراری صلح، ثبات و امنیت باشد (bashgah.net).

۱- آسیای میانه:

در تعریف و تحدید منطقه آسیای مرکزی و آسیای میانه اتفاق نظر نیست، ولی «Alexandervon Hombolt» آلمانی (نیمه اول قرن نوزدهم) نخستین کسی بود که تلاش کرد مرزبندی‌های آسیای میانه را توصیف کند. وی آسیای میانه را به آن بخش از قاره آسیا اطلاق می‌نمود که بین ۵ درجه شمالی و ۵ درجه جنوبی و ۴۴/۵ درجه عرض جغرافیایی واقع شده است.

آسیای میانه منطقه‌ای در جنوب غربی سبیری است که از مغرب به کوه‌های اورال و دریای خزر و از سمت جنوب به کوه‌های هندوکش و از جنوب غربی به خراسان ایران محدود می‌گردد و گذشته به نام‌های ماوراء النهر و ترکستان معروف بوده است (حاتمی، ۱۳۸۲).

آسیای میانه از شمال به روسیه، از شرق به چین و از غرب به دریای خزر متصل است. وجود منابع انرژی در کشورهای این حوزه نیاز متقابل منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به وجود آورده و علاقه آمریکا و ناتو به حضور در این منطقه و رقابت درون منطقه‌ای و برون

منطقه‌ای شرایطی را ایجاد نموده که می‌تواند تعامل سازنده اقتصادی- فرهنگی و امنیتی با ایران داشته باشد.

در پاره‌ای منابع جغرافیایی و تاریخی دو اصطلاح آسیای مرکزی Central Asia و آسیای میانه Middle Asia به صورت مترادف بکار رفته‌اند، در حالی که واژه آسیای مرکزی از یک منطقه جغرافیایی که در واقع بخش مرکزی قاره آسیاست، حکایت می‌کند که پنج کشور مستقل آسیای میانه (ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان)، قفقاز، بخش غربی چین، کشمیر، تبت شمالی، نواحی شمالی پاکستان، خراسان شمالی و افغانستان این بخش آسیا را تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر آسیای مرکزی را مفهومی جغرافیایی و آسیای میانه را مفهومی دیدگاهی و سیاسی بیان می‌کنند (حاتمی، ۱۳۸۲)، بعضی منابع نیز ایران و افغانستان را جزو آسیای میانه به حساب می‌آورند (طلوعی، ۱۳۷۱).

۲- قفقاز:

حوزه قفقاز از جنوب به رود ارس و آراارات، هم مرز با ایران و ترکیه، از غرب به دریای سیاه، از شمال به کوه‌های قفقاز و از شرق به دریای خزر محدود می‌باشد. قفقاز حدفاصل بین ایران و روسیه و دریای خزر و دریای سیاه است. قفقاز شمالی جنوب روسیه رادر برمی‌گیرد و قفقاز جنوبی شامل آذربایجان، ارمنستان، گرجستان، جمهوری خودمختار نخجوان و قره باغ می‌باشد (حاتمی، ۱۳۸۲).

منطقه قفقاز به لحاظ انرژی، مسائل امنیتی، مبارزه با تروریسم، حقوق بشر و حفظ تعادل در رویکرد قدرت‌های خارجی از اهمیت بسزایی برخوردار است. با برچیده شدن سیاست و حکمرانی شوروی بر این کشورها، تأمین امنیت در شمار مسائل مهم آنها قرار گرفت،

بطوری که این مسئله از سطح منطقه‌ای به سطحی فرامنطقه‌ای تبدیل شده است. اهمیت آن بیشتر بدین خاطر است که به عنوان یک منطقه ترانزیتی برای تأمین انرژی اروپا به شمار می‌رود (WWW.IRAS.IR).

این منطقه حوزه رقابتی شدیدی بین روسیه، غرب، ترکیه و ایران می‌باشد. وجود بحران‌های جغرافیایی درحوزه قره باغ، آبخازیا و اوستیا، منابع انرژی و مسیرهای انتقال آن، تحت تأثیر نحوه تعامل جمهوری‌های سه گانه این حوزه با یکدیگر و بادیگر کشورهای منطقه می‌باشد.

اهمیت استراتژیکی آسیای میانه و قفقاز، به دلیل موقعیت ویژه‌ای است که در مرکز اوراسیا قرار دارد، و عنوان کانالی است که قاره آسیا را از شمال به جنوب مرتبط می‌کند، عبارت دیگر محل تلاقی تمدن شرق و غرب در اوراسیا می‌باشد. به واسطه موقعیت خاص جغرافیایی این منطقه، زمینه اثرگذاری بر دیگر مناطق بیرونی و پیرامونی بسیار مهیاست. بنابراین، این منطقه از جهت تاریخی یک ناحیه دارای اولویت به لحاظ رقابت نیروها و مراکز قدرت گوناگون محسوب می‌شود. ظهور کشورهای جدیدالاستقلال، در ایجاد منطقه‌ای باز و رو به جهان، و اکتشاف ذخایر عظیم انرژی براهمیت این حوزه افزوده و به همین علت مورد توجه دیگر کشورهای جهان است.

۳- خاورمیانه:

خاورمیانه ناحیه‌ای در جنوب غربی آسیا و شمال خاوری آفریقای می‌باشد. اصطلاح خاورمیانه Middle east اولین بار توسط A.T.Mahan متخصص تاریخ دریایی بکار گرفته شد که بتدریج در قلمرو جغرافیایی وارد شده و سازمان ملل آن را پذیرفته است

(حاتمی، ۱۳۸۲). خاورمیانه را به دلیل آن که محل اتصال سه قاره بزرگ آسیا، آفریقا و اروپاست، لولای سه قاره می‌نامند (رحمانی، ۱۳۷۱).

خاورمیانه^۱ به دلیل وجود تشابه در جغرافیای منطقه و مذهب اکثریت مردم آن، یک واحد جغرافیائی راتشکیل می‌دهد. این منطقه علاوه بر برخورداری از توانمندی تولید در بخش دامی و کشاورزی، به علت کشف ذخایر عظیم نفت، و داشتن بیشترین ذخایر نفت صادراتی دنیا اهمیت اقتصادی و استراتژیکی وژئوپلیتیکی بیشتری نسبت به سایر نقاط دنیا دارد و بازار مطلوبی برای تولیدات جهان صنعتی می‌باشد (گاف و ماس، ۱۳۷۲).

خاورمیانه به واسطه وجود منابع عظیم نفتی و موقعیت استراتژیکی خاص، اهمیت فوق العاده ای برای آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی سابق داشته و بعد از فروپاشی شوروی بدلیل استقلال کشورهای حوزه بلوک شرق، توجه بیشتر آمریکا و کشورهای صنعتی به این حوزه معطوف شده است.

اختلافات منطقه به ویژه مناقشات اعراب و اسرائیل و ناکامی در تعیین راه حلی برای فلسطینی‌ها، منازعات مرزی و مشکلات داخلی کشورها، جنگ خلیج فارس و حضور نیروهای آمریکا در منطقه و اشغال عراق و افغانستان، خاورمیانه را به یکی از پر التهاب ترین مناطق جهان، و کانون وقایع سیاسی در سال‌های اخیر تبدیل نموده است.

۴- حوزه خلیج فارس:

خلیج فارس یکی از پر آوازه ترین دریا‌های جهان است و در مشرق زمین، مرکزیت تبادل فرهنگی داشته و از تجلی گاه‌های تمدن ایران زمین به شمار رفته است. وسعت این خلیج

^۱. در کتاب تاریخ مختصر قرن بیستم نوشته گاف ریچارد، ماس و التروهمکاران خاورمیانه معادل آسیای جنوب غربی درج شده است.

۲۲۶ هزار کیلومتر مربع و ژرفای متوسط آن ۳۵ متر ثبت شده است. مدخل آن در تنگه هرمز با حدود ۸۵ کیلومتر و بخش پایانی آن در رأس خلیج فارس با حدود ۳۲۵ کیلومتر است (تکمیل همایون، ۱۳۸۰). ایران، عمان و شش کشور عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی، قطر، بحرین در حوزه جنوب خلیج فارس قرار دارند.

عربستان سعودی ۲۶٪ ذخایر نفتی شناخته شده دنیا را در اختیار دارد و دارای یک پتانسیل عظیم اقتصادی است. عراق و امارات نیز سهم عمده‌ای از نفت را دارند که می‌تواند یک عامل سیاسی نیز به حساب آید (www.bardianews.com).

پس از شروع جنگ تحمیلی عراق، وجود ایران با توانمندی‌های خاص نظامی سبب نگرانی قدرت‌های جهانی نسبت به صادرات نفت از این منطقه حیاتی گردید و مسئله انتقال نفت از خلیج فارس علی‌رغم تشکیل شورای همکاری خلیج فارس با حضور شش کشور عربی منطقه نتوانست به عنوان مکانیسمی در حفظ ثبات منطقه‌ای به حساب آید (پائول، ۱۳۷۰)، و در نتیجه غرق شدن کشتی‌های نفت کش در جریان جنگ تحمیلی در خلیج فارس و استفاده کویت از پرچم آمریکا برفراز نفت کش‌های خود، و تجاوز عراق به کویت، حضور آمریکا و ائتلاف غرب در حوزه خلیج فارس استمرار یافت و منجر به عقد معاهدات نظامی بین آمریکا و کشورهای عرب منطقه گردید.

۵- حوزه خزر:

کشورهای حوزه ساحلی دریای خزر (روسیه، ترکمنستان، آذربایجان، قزاقستان، ایران) هستند. دریای خزر دارای شاخصه‌های بارز زیر است:

۱- جایگاه استراتژیک، و فور منابع انرژی (نفت و گاز): بازارهای نفت و گاز کشورهای بازار مشترک اروپا مانند اعضای جدید اتحادیه اروپایی (مجارستان، لهستان، کشورهای

بالتیک) و کلاً ۱۲ عضو جدید اتحادیه اروپایی از اروپای مرکزی و شرقی در نزدیکی و همسایگی ذخائر نفت و گاز نسبتاً دست نخورده کشورهای روسیه، ایران، آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان قرارداد. چین و هند که مرکز ثقل تقاضای انرژی را از غرب به شرق و از اقیانوس اطلس به آسیا کشانده‌اند، نیز در همسایگی آسیای مرکزی و خزر قرار دارند. ضمناً نفت این حوزه دارای مرغوبیت بالاتری است و بیشترین نفت منطقه جهت صادرات در این حوزه قرارداد.

۲- نفت و گاز استخراجی ذخائر دریای خزر علیرغم نزدیکی به بازارهای مصرف، به دلیل دسترسی کم به مسیرهای آبی در این بخش از جهان، بایستی از طریق کشورهای واسطه که دسترسی به دریای‌های آزاد دارند، صورت گیرد. یکی از راه‌های اصلی جهان برای حمل و نقل و کشتیرانی در مسیر شرق به غرب و شمال به جنوب است.

نظریه همگرایی:

همگرایی در عرصه روابط بین الملل به عنوان ایده‌ای مثبت بین ملت‌ها و دولت‌ها وجود داشته و وجود علائق و منافع مشترک به تشکیل پیمان‌های منطقه‌ای و جهانی منجر شده است. از توافقات کنگره وین در سال ۱۸۱۵، تشکیل جامعه ملل در سال ۱۹۲۰ تا سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵ همه و همه حاصل سال‌ها تلاش و مذاکره پیگیر همگرایی میان دولت‌ها می‌باشد.

ارنست هاس^۱ یکی از بنیانگذاران نظریه همگرایی، آن را اینگونه تعریف می‌کند: «گرایش به سمت ایجاد داوطلبانه واحدهای سیاسی بزرگ‌تر که هر یک از این واحدها به

^۱. Ernst Haas

شکل خودآگاهانه‌ای از استفاده و به کارگیری زور در روابط خود با یکدیگر اجتناب می‌ورزند.» (زینعلی، ۱۳۸۶).

همگرایی را وضعیتی می‌دانند که در آن گروه‌ها، سازمان‌ها، نهادها و یا کشورها برای حفظ منافع جمعی به همکاری گسترده با یکدیگر بپردازند و به سوی نوعی وحدت گام بردارند. نظریه همگرایی به تجزیه و تحلیل گسترده ارتباطات و همکاری در زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مربوط می‌شود و پروفیسور کی. دبلیو. دویچ^۱ آغازگر آن است (فرانکل، ۱۳۷۱). دویچ از مفهوم ارتباطات و نظریه سیستم‌ها استفاده کرده، و رابطه آن‌ها را با همگرایی جوامع سیاسی مورد توجه قرار می‌دهد.

علاوه بر کارل دویچ و ارنست هاس، لیون لیندبرگ^۲ و دیوید میترا نی^۳ نیز جزو نظریه پردازان همگرایی می‌باشند. «جامعه اروپا» که بزرگترین اتحادیه اقتصادی و سیاسی بین‌المللی با واحد پول مشترک یورو می‌باشد، حاصل همگرایی کشورهای اروپایی و منتج از آراء نظریه پردازان مزبور بویژه ارنست هاس است که هم اکنون در راه ایجاد ایالات متحده اروپا گام برمی‌دارند. بعضی از این نظریه‌پردازان، همگرایی را به عنوان یک فرآیند و برخی آن را یک وضعیت و گروهی دیگر محصول نهایی وحدت سیاسی می‌دانند.

دلایل همگرایی:

ایجاد طرح‌ها و نهادهای بین‌المللی جدید می‌تواند ما را در گسترش آزادی، رفاه و امنیت منطقه‌ای یاری کند. اساس هر اتحاد و گروه بندی منطقه‌ای و بین‌المللی بین کشورها وجود منافع مشترک میان آن‌هاست (نعیمی ارفع، ۱۳۷۰).

1. K.W.Dewhch

3. Lion Lidberg

4. David Mhtrani

عواملی مثل تهدیدهای احتمالی به امنیت ملی، فرصت‌های تبادل اقتصادی، قرابت فرهنگی، مذهبی و زبان مشترک بردرجه اهمیت کشورهای منطقه تأثیری گذارد. با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، توجه بیشتر به منطقه‌گرایی و اهمیت منطقه آسیای جنوب غربی، افزایش یافته است. پس از فروپاشی شوروی، استقلال و تشکیل دولت - ملت‌های مستقل در منطقه، این کشورها می‌کوشند هویت سازی ملی خود را سرعت بخشیده و با ورود به مناسبات جهانی، روند جهانی سازی را سهولت و سرعت بخشند. هر قدرتی چه آمریکا و چه ایران، تأثیر بیشتری در این منطقه داشته باشد، تأثیر بیشتری هم در روابط بین‌الملل خواهد داشت.

کشورهای منطقه ضمن عضویت در یک سازمان، بعضاً عضو دیگر سازمان‌های منطقه‌ای نیز هستند، لذا تقویت همکاری این کشورها با توجه به پیشینه روابط در یک یا چند معاهده می‌تواند گامی مثبت در جهت تحکیم مناسبات همگرایی و همسوئی در راه تأسیس اتحادیه کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی باشد.

در قاره آسیا حدود بیست معاهده یا سازمان منطقه‌ای وجود دارد که کشورهای منطقه در اکثر موارد، اعضاء مشترک آن سازمان یا معاهده منطقه‌ای هستند، و این امر به تقویت همکاری هابین کشورهای عضو سازمان‌های منطقه‌ای کمک می‌نماید. به عنوان مثال کشورهای عضو، وناظر (اکو، شانگهای، اوپک، و...).

سازمان همکاری‌های شانگهای در هزاره سوم می‌تواند به نهاد قدرتمندی تبدیل شود. به این دلیل که علاوه بر روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان دیگر کشورها نظیر هند، ایران، پاکستان و مغولستان که عضو ناظر هستند، آماده پیوستن به عنوان عضو دائمی این سازمان می‌باشند. چین که به عنوان یک قطب اقتصادی جهان از نگاه

تولید محصولات ناخالص ملی بعد از ایالات متحده آمریکا در مقام دوم قرار گرفته و هند نیز در حال حاضر قدرت رقابت با اقتصاد کشورهای عضو اتحادیه اروپا را کسب کرده است، بر اهمیت این سازمان بیش از پیش می‌افزاید.

مبانی همگرایی کشورهای منطقه (با تأکید بر دیدگاه‌های ایران):

۱- سند چشم‌انداز بیست ساله:

ایران بر اساس این سند در سال ۱۴۰۴ شمسی، کشوری «توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقاء نسبی در آمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل، با هویت اسلامی و انقلابی، الهام بخش در جهان اسلام متکی به اراده و عزم ملی در پرتو تلاش و کوشش جمعی و دارای تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل خواهد بود. هدف این سند، نیل به قدرت اول منطقه آسیای جنوب غربی است. بهترین راهبرد برای استقلال و افزایش ضریب امنیت ملی، حضور قدرتمندانه ایران در بازارهای جهانی و بالادست منطقه آسیای جنوب غربی است. قدرت چانه زنی و مانور در دهکده جهانی، با خودکفایی در تولید محصولات صنعتی و کشاورزی، شناسایی بازارهای مصرف و صدور محصولات مختلف به کشورهای منطقه، در پرتو اراده ملی، بهره‌گیری از متخصصان در جهت پیشرفت علوم و فنون، و نیز مزایای طبیعی کشور محقق می‌گردد.

۲- توانمندی‌های خاص جمهوری اسلامی ایران:

توانمندی‌های ایران در منطقه به عنوان دروازه ورود به آسیای میانه و قفقاز، امکانات ترانزیت کالا به شمال از طریق خلیج فارس و زمین‌های موجود سرمایه‌گذاری در مناطق

آزاد تجاری و صنعتی، و موقعیت و توانمندی های اقتصادی تجاری منطقه به عنوان یک بلوک قوی در اقتصاد جهانی، روابط محکمی را در آینده فروری ما قرار می دهد.

ایران در بخش کشاورزی یکی از ۵ کشور جهان است که در تولید بیش از ۲۰ محصول کشاورزی جزو ۱۰ تولیدکننده عمده محسوب می شود. مقام اول جهانی در محصولات انار، خرما، زیره، زعفران، و زرشک مربوط به ایران است (پورهاشمی، ۱۳۸۶). این بخش تأمین کننده ۸۰ درصد نیاز غذایی کشور، ۲۵ درصد فرصت های شغلی، ۳۳ درصد درآمدهای ارزی حاصل از صادرات غیرنفتی، ۲۷ درصد تولید ناخالص ملی و ایجاد زمینه های اشتغالزایی برای بسیاری از صنایع کشور است، و حداقل وابستگی به منابع ارزی و استقلال نسبی را دارد.

موقعیت ممتاز ایران به لحاظ وسعت یکی از کشورهای پهناور در دنیا محسوب می شود، زیرا با ۱/۱۲ درصد از مساحت خشکی جهان، رتبه را داراست.

آهنگ رشد علمی ایران سریع تر از سایر کشورهای اسلامی است. سهم بقیه کشورهای اسلامی بین ۱ تا ۴ درصد است. و در این زمینه تنها سه کشور ایران، ترکیه و مصر از سهم قابل ملاحظه ای برخوردارند. ایران از حیث تولید علم می تواند الگوی بسیار شایسته ای برای کشورهای اسلامی باشد، و برای رهبری جهان اسلام در جهت بازگشت به قدرت و مجد علمی آن گام بردارد (مهرداد، ۱۳۸۶).

جایگاه ایران در بین ۱۵۰ کشور در زمینه تولید علم در حوزه نانو، رتبه بیست و ششم می باشد، عبارتی مقام اول تولید علم در حوزه نانو در جهان اسلام، به ایران اختصاص دارد. یکی از نقاط قوت کشورمان، ظرفیت حمل و نقل از طریق دریاست که ۷۵ درصد تجارت خارجی کشور را دربر می گیرد. برابر آمارهای متاخذه ظرفیت جابجائی کالا... حدود

۳/۹ میلیون تن بوده و ایران به لحاظ گنجایش و تعداد ناوگان کشتی‌های تجاری جزو ۲۰ کشور اول جهان است.

جایگاه ایران براساس کمیسیون بین‌المللی سدهای بزرگ جهان، سومین کشور سد ساز دنیا می‌باشد. همچنین تعامل بین کشورهای همسایه برای مهار آب‌های مرزی و بهره‌برداری مناسب از آن‌ها همواره به عنوان یک راهکار در توسعه صنعت سدسازی و گسترش روابط وجود داشته است. ساخت سد دوستی بین ایران و ترکمنستان، تشکیل کمیته مشترک ایران و افغانستان در این رابطه، و مذاکرات انجام شده با آذربایجان برای ساخت سد بر روی رودخانه «ارس» نمونه‌ای از تعاملات با همسایگان است. ایران از همه امکانات برای ایفای نقش قدرت منطقه‌ای برخوردار است. ایران تنگه استراتژیکی هرگز را کنترل می‌کند که ۹۰٪ نفت صادراتی حوزه خلیج فارس از آن می‌گذرد. ایران دومین ذخایر بزرگ گاز طبیعی و چهارمین ذخایر بزرگ جهانی نفت را کنترل می‌کند. ایران از متنوع‌ترین اقتصاد در منطقه برخوردار است. تولید ناخالص ملی ایران به معیار قدرت خرید برابر ۵۵۲ میلیارد دلار (مقام بیستم جهانی) برآورد می‌شود. طبق پیش‌بینی سازمان Unit Economist Intelligence، تا سال ۲۰۲۰ اقتصاد ایران تا ۱,۲ تریلیون دلار رشد خواهد کرد (کاکشاروف، ۲۰۰۶).

اقتدار ایران در دستیابی به فن‌آوری صلح‌آمیز هسته‌ای به عنوان یکی از هشت کشور دارای این تکنولوژی، تحقیقات سلول‌های بنیادی و انجام کلونینگ (شبهه‌سازی) در پزشکی، توانمندی در نوآوری و تولیدات نظامی جهت دفاع و بازدارندگی، کسب مقام جهانی در المپیادهای علمی و ورزشی، و داشتن توان مدیریتی و قدرت اداره منطقه‌ای همگی حکایت از جایگاه ممتاز کشورمان دارد.

۳- ائتلاف سازی منطقه‌ای:

یکی از راه‌های مؤثر برای ایجادشکاف در قدرت هژمونیک آمریکائی ایجادزمینه برای ظهور ائتلاف‌های جدید می‌باشد. اگر کشورهای منطقه، قابلیت‌های لازم برای همبستگی ایدئولوژیکی، پیوندهای دینی و سیاسی، هماهنگی سازی منافع مشترک، هنجارها و همگامی تاکتیکی دستیابی پیداکنند، ائتلاف سازی و همگرایی منطقه‌ای فراهم خواهدشد. قدرت منطقه‌ای ایران در صورتی حاصل می‌گردد که از طریق فضای منطقه‌ای بوده وامکان متعادل سازی منافع منطقه‌ای کشورهای پنج حوزه موصوف با یک دیپلماسی قوی باشد، و نقش خود را برای کاهش تهدیدات بین‌المللی باکسب مطلوبیت لازم در ائتلاف سازی ایفا نماید.

۴- وارد شدن کشورهای منطقه در مشارکت جهانی:

با توجه به این که نظام جهانی به سوی رقابت‌های کلان اقتصادی در حرکت است. لازم است ایران در یک بررسی ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک موقعیت خود را برای اتخاذ تصمیمات سازنده و راهبردی در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، امنیتی و... ارزیابی کند (عزتی، ۱۳۸۴).

باتوجه به این که بحث جهانی سازی پدیده‌ای جدی و فرا منطقه‌ای است و تبعات و پیامدهای آن بر ایران و کشورهای منطقه تاثیر گذار می‌باشد، لذا توسعه همه جانبه به عنوان یکی از اساسی‌ترین ارکان اقتصادی ملی کشور مورد مذاقه قرار می‌گیرد. برخورداری از امکانات طبیعی فراوان اعم از انرژی، مواد معدنی، منابع طبیعی، نیروی انسانی ماهرو امکانات فیزیکی و سرمایه‌ای وافر، نمایانگر جذب پتانسیل‌های کافی برای ایفای نقش مؤثر و فعال در فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در راه جهانی شدن می‌باشد.

۵- قدمت تاریخی:

ایران از لحاظ تاریخی قدیمی‌ترین تمدن به شمار می‌آید و با حداقل ۶ هزار سال تمدن، شاهراه اصلی گذر تاریخ و انتقال تمدن‌های سایر ملل بوده است و از لحاظ تاریخی و داشتن تمدن کهن، دارای یک پویایی مناسب برای درک مسائل جهانی، هماهنگی با آن و کسب شایستگی‌های لازم از جهان بوده و در تأسیس و توسعه تمدن جهانی سهم غالبی دارد (صانعی پور، ۱۳۷۹).

کشور ایران در ادوار کهن تاریخ قدرت پهناوری بوده، و امروزه این قدمت درخشان برای ایران یک مزیت محسوب می‌شود. عواملی همچون زبان، مذهب، رسوم، آیین‌ها و سنت‌های مشترک در پهنه ایران بزرگ و فرهنگی به عنوان رشته‌های پیوند ارتباطی بین کشورهای منطقه عمل می‌کنند. رسمیت زبان فارسی و آیین نوروز در افغانستان و تاجیکستان، پیوندهای قومی میان اقوام در این کشورها، و اسلام خواهی و احیاء رسوم مذهبی مردمان این دیار همگی دال بر زمینه بسیار مساعد ایران فرهنگی برای همگرایی منطقه‌ای است.

۶- موقعیت ژئوپولیتیکی:

ایران از لحاظ ژئوپولیتیکی دارای ویژگی خاصی در قلب جغرافیائی تاریخ است. بطوری که بیشترین تغییرات تاریخی، نهضت‌های جهانی و منطقه‌ای، تهدیدات و فرصت‌ها در این منطقه بوجود آمده است و ایران از این لحاظ همیشه مورد توجه دوستان و دشمنان قرار گرفته است.

موقعیت ممتاز ایران، نقش آفرینی در حوزه‌های ژئوپولیتیکی زیر را روبروی ما قرار می‌دهد:

حوزه ژئوپولیتیکی خلیج فارس: ایران و ۶ کشور حوزه خلیج فارس

حوزه ژئوپلیتیکی عمان و اقیانوس هند: ایران، پاکستان و هند، عمان و امارات متحده عربی

حوزه ژئوپلیتیکی فلات ایران: ایران، پاکستان، افغانستان

حوزه آسیای مرکزی: ایران، ترکمنستان، تاجیکستان، قزاقستان و ازبکستان

حوزه ژئوپلیتیکی کشورهای ساحل دریای خزر: روسیه، ایران، آذربایجان، قزاقستان، ازبکستان و ترکمنستان.

ایران با توجه به همسایگی با شانزده کشور در چهار سیستم آسیای جنوب غربی، خلیج فارس، خاور میانه و شرق مدیترانه و آسیای مرکزی و قفقاز در واقع حامل یک سیستم مکمل ساز درونی و بیرونی با حوزه «امتداد همسایگان» و محیط پیرامونی جغرافیایی چشم انداز است.

۷- زمینه‌های مشترک (پیشینه تمدنی، تاریخی، دینی، فرهنگی، و زبان):

آنگونه که در بند ۳ در رابطه با ابعاد تاریخی کشور بحث گردید، زمینه‌های بسیار مشترکی بین ایران و کشورهای منطقه وجود دارد که ذیلاً به آن‌ها اشاره می‌گردد:

الف) اشتراکات دینی: مهم‌ترین و اساسی‌ترین وجه مشترک میان ملل این منطقه، دین اسلام است. اسلام به عنوان محور اصلی همدلی در منطقه، فرهنگ مشترک میان اقوام ساکن در این سرزمین است. آیین اسلام می‌تواند به عنوان عنصر اصلی همگرایی، فراتر از نژاد، زبان و قوم عمل کرده و فرهنگ مشترکی اعم از تمدن اسلامی، دین، ادبیات، علوم و تاریخ ملل ساکن را در این منطقه با حضور همه اقوام آن شکل دهد. ساکنان این منطقه از قرن هشتم به دین مبین اسلام گرویده‌اند.

براساس برآوردهای کارشناسی در ۱۵ سال آینده، اسلام به نیروی قدرتمند سیاسی و مذهبی در جهان تبدیل خواهد شد.

ب) اشتراکات زبانی: زبان منطقه عمدتاً شامل دو خانواده زبانی آریایی (هندی، اردو، فارسی دری، پشتو، بلوچی، کردی) و ترکی (ازبکی، قرغزی، ترکمنی، قزاقی و آذری) می‌شود. اما از لحاظ تاریخی، تمام این منطقه در قلمرو زبان‌های «هند و ایرانی» به حساب می‌آید.

ج) حاکمیت تمدن ایرانی: جایگاه مهم جغرافیای تاریخی تمدن ایرانی در کشورهای حوزه جنوبی شوروی سابق، قفقاز و آسیای میانه کاملاً مشهود است و بخش اعظم این منطقه جزئی از امپراتوری‌های ایران قبل از اسلام می‌باشد.

مرکزیت حکومت امرای ایرانی در غزنین افغانستان، و سلاطین سامانی و غزنوی در بخارا و سمرقند ازبکستان یا در اورگنج خوارزم (خوارزمشاهیان) و گسترش ادبیات پارسی در پیشینه تاریخی این کشورها به هم پیوند می‌خورد (هرزیگ، ۱۳۷۵).

انتخاب حوزه تمدنی ایرانی و اسلامی در منطقه مذکور به عنوان هدف سیاست خارجی ایران، باعث می‌شود، ما بتوانیم از تمامی ظرفیت‌ها و منابع خود در منطقه در جهت رسیدن به یک ایران منطقه‌ای استفاده و تلاش کنیم که محوریت هژمونی منطقه‌ای را از آن خود سازیم. در این حوزه تمدنی، زبان فارسی، حوزه تمدن ایرانی در منطقه، حوزه تمدن اسلامی در حوزه منطقه‌ای در محدوده مرزهای غربی هند و چین و مرز جنوبی روسیه و مرزهای شرقی اروپا و آفریقا و در شمال اقیانوس هند به چشم می‌خورد.

۸- همسوئی و همکاری اقتصادی:

همگرایی اقتصادی به یک سلسله سیاست‌هایی اطلاق می‌شود که محدودیت‌های تجاری و موانع و تبعیضات به وجود آمده بر سر راه روابط اقتصاد بین الملل و منطقه‌ای را حذف یا به حداقل می‌رساند به عبارت دیگر منطق «سود» همواره تاثیرگذارترین عامل برای

همگرایی است. از این رو ایجاد بازاری مشترک در حوزه «ایران بزرگ» دارای کارکردهای مثبت بسیاری خواهد بود. ضمن اینکه پیشینه فرهنگی - تاریخی مشترک نیز به طور قطع و یقین باعث استقبال مصرف کنندگان و بازارهای کشورهای این حوزه از کالاهای یکدیگر خواهد شد (زینعلی، ۱۳۸۶).

در زمینه خط مشی اقتصادی، می توان به صنعت نفت و گاز، سازمان همکاری اقتصادی (اگو) و هدف بلندمدت ایران برای ایجاد بازار مشترک اسلامی، برگزاری نمایشگاه‌های بازرگانی اشاره کرد. مثلاً صادرات نفت از ایران به گرجستان و آذربایجان و واردات سوخت دیزل از آذربایجان، و گاز از ترکمنستان (علیرغم قطع واردات آن در روزهای اخیر) جزو روابط تجاری است که انجام می گیرد، و کشوری مثل ازبکستان در منطقه با جمعیتی ۲۵ میلیون نفری بازار مناسبی برای صادرات کالاهای ایرانی می باشد.

سازمان همکاری اقتصادی (اگو ۱۹۹۰) جایگزین سازمان همکاری منطقه‌ای (RCD) ایران، ترکیه، پاکستان است. ابتکار عمل آن در دست ایران، کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق و افغانستان است، و اعتبار بخشی به این سازمان توسط ایران در مقابل سایر سازمان های چند جانبه: نظیر آسه آن، جامعه اروپا و... مورد امان نظر می باشد. رئیس جمهور ازبکستان نیز طرح منطقه‌ای و همگرایی بازار مشترک آسیای مرکزی را از راه اتحاد ویژه آسیای مرکزی به شکل کنفدراسیونی مرکب از روسیه، چین و ایران و هند ارائه کرده است (www.iransharghi.com).

ایران در صادرات کالاهای غیر نفتی در مقایسه با واردات، با تعداد بیشتری از کشورهای واقع در آسیای جنوب غربی دارای تجارت مکملی است ولی از حیث تجارت مکملی، ایران تنها با ۱۱ کشور از ۲۲ کشور دارای تجارت مکملی دو جانبه است.

بیشترین تجارت مکملی دوجانبه ایران، مربوط به ماشین آلات، وسایل مکانیکی و الکترونیکی، وسائط نقلیه و تجهیزات حمل و نقل، مواد پلاستیکی و کائوچو و اشیا ساخته شده از آن و کفش، کلاه، چتر بارانی و گل‌های مصنوعی است. یکی از عوامل بسیار مهم در تعامل سازنده با اقتصاد بین‌الملل به توانایی کشورمان در تولید و صدور کالا به بازارهای جهانی و منطقه بستگی دارد.

۹- تقویت مناسبات خارجی با سایر کشورها:

اصول سیاست خارجی کشور، همزیستی مسالمت‌آمیز، تنش‌زدایی، اعتمادسازی مداوم، چندجانبه‌گرایی، ایجاد تعامل متوازن، تلاش پیگیر و مستمر برای گسترش مناسبات تجاری سودمند با کشورهای جهان می‌باشد.

ایران به جزء آمریکا و رژیم صهیونیستی اسرائیل با کلیه دول خارجی و بخصوص ملت‌ها رابطه کامله‌الودادی داشته و هر گونه مناسبات و روابط حسنه را پذیرفته است و فضای سیاسی خود را برای هر گونه همکاری تکنولوژیکی، اطلاعاتی، سرمایه‌گذاری و.. به نحو شایسته باز و مهیا کرده است. کمک به ایجاد ثبات در منطقه، مطرح شدن در مجامع بین‌المللی و مقابله با سلطه آمریکا جزو مبانی و اصول مهم سیاست خارجی کشور در راستای حفظ مصالح و منافع ملی می‌باشد.

تغییر راهبرد جهان عرب در قبال ایران با توجه به دعوت از رئیس‌جمهور کشورمان به اجلاس شورای همکاری خلیج فارس و دعوت از ایران برای شرکت در کنفرانس امنیتی منامه در کشور بحرین و مساعی انجام شده برای از سرگیری روابط ایران و مصر از جانب دو کشور، همگی نشان از صلح‌طلبی، وجاهت و جایگاه رفیع ایران دارد.

یکی از ملاحظات مهم ایران در آسیای مرکزی، بسط روابط از طریق سیاست‌های چند جانبه با کشورهای منطقه، و حفظ و توسعه روابط دوستانه با روسیه ضمن تعمیق منافع دو جانبه می‌باشد.

سیاست خارجی ایران در شرق مدیترانه مربوط به کشورهای اردن، سوریه، ترکیه، لبنان نشان می‌دهد که ایران به عنوان یک قدرت فرامنطقه‌ای و کشورهای فوق به عنوان زیرسیستم بایستی مورد بررسی قرار گیرند (تودارو، ۱۳۸۴).

۱۰- تبیین نقش دفاعی کشور در جهت صلح و دستیابی به امنیت منطقه:

واقعیت‌های تاریخی دستیابی به امنیت منطقه را با توجه به گسترش ناتودر کشورهای اتحاد شوروی سابق، حضور نظامی در عراق و افغانستان و خلیج فارس بمنظور کنترل حوزه‌های نفت و گاز منطقه، و تلاش برای سلطه اقتصادی بر بازارهای آسیای میانه، خاورمیانه و خلیج فارس فراروی کشورمان و دیگر کشورهای منطقه قرار می‌دهد.

علیرغم تبلیغات دشمنان مبنی بر خطر سازبودن تسلیحات و نیروهای نظامی ایران برای کشورهای منطقه، دیپلماسی حاکم بر کشور تبیین و تصریح نقش دفاعی و بازدارنده ایران در مقابل قدرت‌های سلطه‌گر فرامنطقه‌ای است و در واقع مبین تأمین امنیت منطقه با مشارکت کشورهای منطقه و اعتمادسازی در جهت ترسیم صلح و ثبات منطقه می‌باشد.

یکی از نگرانی‌های امنیتی ناتو در منطقه، ترس از احیای مجدد اقتدار شوروی بوسیله روسیه و پر شدن خلأ قفقاز توسط رقبای ناتو چون ایران، چین و هندارزیابی می‌گردد.

۱۱- توسعه نیافتگی کشورهای منطقه:

ویژگی‌های مشترک کشورهای در حال توسعه: (الف) سطح پائین زندگی (ب) سطح پائین بهره‌وری (پ) نرخ بالای رشد جمعیت و بار تکفل (ت) سطح بالا و فزاینده بیکاری

و کم کاری (ج) وابستگی بسیار به محصولات کشاورزی و صادرات محصولات اولیه (ح) تسلط، وابستگی و آسیب پذیری در روابط بین المللی می باشد (تکمیل همایون، ۱۳۸۰).

مهم ترین معیار برای سنجش توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی کشورها، استفاده از شاخص توسعه انسانی^۱ H.D.I. می باشد که توسط سازمان ملل متحد از سال ۱۹۹۱ میلادی تعیین گردیده است. اقتصاددانان در سال های گذشته از درآمد سرانه یا تولید ناخالص داخلی به عنوان شاخص استفاده می کردند (اخوان بهبهانی، ۱۳۸۶).

شاخص توسعه انسانی در واقع یک شاخص سه بعدی است و بر اساس سه شاخص (امید به زندگی، نرخ باسوادی، استاندارد زندگی) بدست می آید. استاندارد زندگی بوسیله تولید ناخالص داخلی با قدرت برابری خرید دلار آمریکا محاسبه می شود که متوسط رفاه زندگی افراد جامعه را نشان می دهد (روزنامه همشهری، ۱۳۸۶).

کشورهای جهان بر اساس فاکتورهایی از جمله درآمد سرانه واقعی، آموزش، بهداشت، و تغذیه مورد مقایسه قرار می گیرند، و هر سال فهرستی از کشورهای جهان، به ترتیب بالاترین تا پائین ترین رتبه ها منتشر می شود. کشورهایی که در رده های بالای شاخص توسعه انسانی قرار دارند، کشورهای توسعه یافته و کشورهایی که در رده های پائین شاخص توسعه انسانی قرار دارند، کشورهای توسعه نیافته و عقب افتاده تری از نظر پیشرفت های جهانی هستند.

بر اساس آمارهای منتشره، جایگاه ایران در بین ۱۷۷ کشور جهان ۷۲۵ درصد و دارای رتبه ۹۸ می باشد. رتبه نخست جهان کشور ایسلند با ۹۶۸/ و پائین ترین رتبه، کشور سیرالئون

^۱. Human Development Index

با ۳۳۶/ می باشد. بجز کویت با رتبه ۳۳ اغلب کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی بین رتبه ۷۱ تا ۱۳۸ قرار دارند که نمایانگر توسعه نیافتگی این کشورها می باشد.

تولید ناخالص داخلی (G.D.P) (قدرت برابری خرید P.P.P) که رفاه زندگی افراد جامعه را نشان می دهد، طبق فهرست صندوق بین المللی پول در سال ۲۰۰۵ میلادی، نمایانگر رتبه ۱۹ برای کشور ترکیه با ۲۴۸ ۵۶۹ دلار و رتبه ۱۳۹ برای کشور تاجیکستان با ۸۸۰۲ دلار می باشد. جایگاه ایران در بین کشورهای جهان و منطقه آسیای جنوب غربی رتبه ۲۰ با ۷۷۵ ۵۵۴ دلار می باشد (روزنامه همشهری، ۱۳۸۶).

نرخ تورم کشورهای توسعه یافته (۷ کشور صنعتی، و اتحادیه اروپا) ۲/۳ درصد در سال ۲۰۰۶ بوده، و کشورهای خاورمیانه ۷/۵، جمهوری های سابق شوروی ۹/۴، و نرخ تورم ایران ۱۳ درصد ذکر شده است، که حاصل توسعه نیافتگی کشورهای آسیای جنوب غربی می باشد (لطفی، ۱۳۸۶).

ضمناً به علت پائین بودن سطح زندگی در کشورهای توسعه یافته، مسئله فرار مغزها^۱ توسط نخبگان و دانشمندان این کشورها که از بهره هوشی بالائی^۲ برخوردارند، به کشورهای توسعه یافته مشهود است.

استراتژی ایران در تفکر منطقه گرایی

ایران در سال های پس از انقلاب اسلامی موضوع منطقه گرایی را به شدت دنبال نموده است. این سیاست در مجموعه اهداف، راهبردها و سیاست های خارجی ایران منطبق با اهداف سیاست خارجی منعکس در قانون اساسی است. رجحان روابط با همسایگان،

کشورهای مسلمان و کشورهای در حال توسعه همگی در چتر منطقه گرایی ایران قابل جمع شدن است.

توجه به جایگاه کشور، با سابقه درخشان تمدنی، تاریخی و موقعیت ژئوپلیتیک استثنایی و دستیابی به آب‌های جهان و وسعت کشور نشان می‌دهد که بهترین راه حل ساماندهی ایران در محور منطقه است که بتواند نقش طبیعی خود را به عنوان لنگرگاه ثبات و کانون توسعه ایفا کرده و به ظرفیت‌های سیاسی، اداری، علمی، اقتصادی و فرهنگی لازم دست یابد (صانعی پور، ۱۳۷۹).

داشتن موقعیت مطلوب در آسیا و نقش ژئوپلیتیک ایران بین دریای خزر و خلیج فارس، میان بین النهرین و مرزهای طولانی ایران با کشورهای تازه استقلال یافته شوروی سابق در قفقاز و آسیای میانه (شمال) و خلیج فارس (در جنوب) از نظر موقعیت ژئوپلیتیکی، اهمیت خاصی به ایران می‌دهد (نعیمی ارفع، ۱۳۷۰).

موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک منطقه، همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ و بازیگران اصلی صحنه بین‌المللی است. از این رو همگرایی منطقه‌ای می‌تواند یاریگر ایران در چانه زنی‌های بین‌المللی و جهانی باشد. در این خصوص توجه به منافع مشترک کشورهای همگرا از اهمیت اساسی برخوردار است.

حوزه تأثیر ایران به عنوان یک بازیگر سیاسی منطقه‌ای از یک سو از منتهی الیه غرب چین تا منتهی الیه غرب خاورمیانه (دریای سیاه) و از سوی دیگر نواحی جنوبی روسیه (آسیای مرکزی و میانه) تا شمال آفریقا را در برمی‌گیرد.

بنابراین حضور مؤثر ایران و قدرت نقش‌آفرینی در روابط بین‌المللی و اسلامی، تنها با یک ایران پیشرفته و مقتدر و ایران منطقه‌ای - که کانون منطقه شده باشد، عملی است، و در

این صورت است که می‌توان به ساماندهی منطقه آسیای جنوب غربی در چهارچوب یک همکاری دسته‌جمعی به نتیجه‌ای مهم در الگوسازی توسعه منطقه‌ای دست یافت. اتخاذ راهبردهای مبتنی بر منطقه‌گرایی باعث تضمین توسعه درازمدت ایران و کم شدن آثار تحریم کشورهای بزرگ می‌گردد.

ارائه تفکر نظم منطقه‌ای، مدیریت با اراده و هدفمند در سیاست خارجی و روابط بین‌المللی ایران و با توجه به آمادگی ملت ایران و روحیه ایفای نقش منطقه‌ای توسط آنان و با توجه به رشد تفکرات نظم منطقه‌ای، می‌توان به تحقق تفکر منطقه‌ای ایران امیدوار بود.

۱- تاکید بر ایران به عنوان مرکزیت و کانون منطقه آسیای جنوب غربی با توجه به جایگاه اقتدار ملی (قدرت ملی اول)، جایگاه ژئوپلیتیک، و ژئواستراتژیک، و نقش ارتباطی کشور، معادن، منابع و مواهب طبیعی، نفت و گاز (انرژی)، تجارت و مزیت‌های اقتصادی ایران؛ که کانون پیوستگی‌های اقتصادی، فرهنگی و ارتباطی می‌باشد.

۲- ارتقاء جایگاه ایران در توازن و تعادل منطقه و کمک به حفظ صلح و ثبات در منطقه، و پیشبرد همکاری‌های امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی

۳- نقش محوری ایران در حل و فصل مناقشات در منطقه آسیای جنوب غربی (به عنوان مثال دعوت رسمی مقامات آمریکائی از کشورمان برای شرکت در نشست چندجانبه آمریکا، عراق، و... برای اعاده نظم و امنیت به عراق).

ایران در امور بین‌المللی نقشی مهم‌تر از امروز بازی کرده و احتمالاً حتی خواهان عضویت دائمی در شورای امنیت خواهد شد (کاکشاروف، ۲۰۰۶).

۴- تاکید بر هژمون منطقه‌ای خودجوش و درون‌زا: در ارتباط با هژمونی منطقه‌ای، ایران به دلیل نقش ارتباطی و توانایی‌هایی که دارد، عنصری کلیدی و محوری هژمونی‌های منطقه‌ای است.

چالش‌ها و راهکارها

چالش‌ها: در سه بعد محلی، و منطقه‌ای، و فرامنطقه‌ای و جهانی بطور جدی احتمال حدوث چالش وجود دارد:

الف) رقابت‌های محلی بین کشورهای منطقه: از جمله کشور ترکیه، با توجه به این که جزو پیمان ناتو است و با کشورهای حوزه قفقاز از جمله آذربایجان و گرجستان روابط مطلوبی دارد (اتصال ترکیه از طریق احداث خط آهن باکو، تفلیس، قارص، به آسیای مرکزی و اروپا میسر گردیده و حتی نفت و گاز آذربایجان به اروپا از مسیر ترکیه انتقال می‌یابد) و این کشور هادری ایجاد یک منطقه اقتصادی مشترک هستند.

ب) بین کشورهای بزرگ از جمله چین، روسیه، اروپا و آمریکا، و احتمالاً هند، البته در میان این کشورها آمریکا که سردمدار غرب و داعیه نظم نوین جهانی و جهان تک قطبی دارد و دارای سیاست‌های خصمانه علیه کشورمان می‌باشد، به دلایل ذیل که تضاد و تعارض با منافع ملی کشورمان دارد بیشتر از سایر کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است:

۱- ایالات متحده آمریکا در استراتژی خارجی خود، جهت نفوذ بیشتر در منطقه، بهای بیشتری را از طریق تطابق زورمندانه مفاهیم سیاست و اقتصاد می‌دهد. توجه آمریکا به این منطقه، از طریق الگوهای غربی شامل ارزش‌های سیاسی، فرهنگی و بازار آزادی باشد. این کشور با مقاومت و ایستادگی ایران و روسیه در منطقه مواجه شده، و به همین دلیل سعی دارد از نفوذ ایران و روسیه در منطقه جلوگیری کند.

۲- تلاش برای انزوای ایران و قلمداد نمودن ایران به عنوان یکی از به اصطلاح محورهای شرارت، و به دنبال آن متهم کردن کشورمان به نقض حقوق بشر و حمایت از تروریسم، و همچنین جلوگیری از اسلام خواهی کشورهای مسلمان منطقه، از جمله سیاست‌های آمریکا در این راستا به حساب می‌آید.

۳- تلاش آمریکا برای صدور قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد بر علیه برنامه صلح آمیز هسته‌ای کشورمان به بهانه دستیابی ایران به سلاح‌های اتمی، مانند قطعنامه‌های ۱۷۳۷ و ۱۷۴۷ شورای امنیت که بر اثر فشارهای آمریکا صادر گردید.

۴- تلاش آمریکا برای ایجاد شکاف بین ایران و روسیه بر سر تأمین سوخت هسته‌ای، که مساعی آمریکا در جهت عدم ارسال سوخت هسته‌ای از جانب روسیه به کشورمان با ناکامی روبرو، و در روزهای اخیر سوخت هسته‌ای ارسال گردید.

۵- تلاش آمریکا برای تفرقه بین کشورهای حوزه ساحلی دریای خزر (روسیه، ترکمنستان، آذربایجان، قزاقستان، و ایران) بر سر تعیین رژیم حقوقی دریای خزر به منظور تأمین منافع خود در این حوزه یکی دیگر از سیاست‌های مخالفت آمریکا با کشورمان می‌باشد.

۶- به ایده اغلب کارشناسان اقتصادی جهان نزدیک‌ترین، ارزان‌ترین و امن‌ترین مسیر انتقال منابع انرژی آسیای مرکزی و قفقاز، ایران می‌باشد، لذا تلاش آمریکا برای جلوگیری از اجرائی شدن انتقال منابع انرژی از طریق ایران می‌باشد.

۷- تفرقه افکنی آمریکا بین ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس (تکرار ادعاهای بی اساس امارات متحده عربی مبنی بر جزایر سه گانه ایرانی (تنب بزرگ، تنب کوچک، و ابوموسی) و اتخاذ موضع ضدایرانی بحرین در اجلاس شورای همکاری خلیج فارس، سفر اخیر ۹ روزه بوش به کشورهای منطقه گامی در جهت تحریک کشورهای منطقه بر علیه ایران و برنامه

هسته‌ای کشورمان از سوی تحلیلگران مسائلی بین المللی ارزیابی وانرا یک سیاست شکست خورده می‌دانند.

۸- گسترش ناتوبه شرق: دربند ۷ استراتژی ایران و دیدگاه منطقه‌ای، اشاره‌ای به آن شده است.

ج) سازمان‌های تأثیرگذار بین المللی، و کارتل‌ها و تراست‌ها که منافع اقتصادی خود را در عدم انسجام واتحاد کشورهای منطقه می‌بینند.

لذا از سوی صاحب‌نظران، (۱) هژمونی و تفوق طلبی منطقه‌ای درونزا بصورت همکاری بین کشورهای بزرگ منطقه بعنوان حلقه اول هژمونی منطقه‌ای، شامل ایران، پاکستان، ترکیه، عربستان و قزاقستان، و کشورهای بزرگ که آمادگی و توانایی کمک به شکل گیری اتحادیه منطقه‌ای را دارند، پیشنهاد گردیده است. (۲) ضرورت برقراری روابط همه جانبه بین روسیه، چین، ایران و هند برای همگرایی این منطقه از راه اتحاد ویژه آسیای مرکزی به شکل کنفدراسیونی مرکب از روسیه، چین و ایران واحتمالاً هند وجود دارد. همکاری آمریکا و چین و روسیه در شکل دهی هژمونی منطقه‌ای درونزا و مستقل، متناسب با آمادگی‌ها و توانایی‌های این کشورها نیز ضرورت دارد (www.iransharghi.com).

(۳) سازمان‌های بین المللی همچون شورای همکاری اقتصادی واجتماعی سازمان ملل متحد، انکتاد^۱ (کنفرانس تجارت وتوسعه ملل متحد)، سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی، سازمان کشورهای عدم تعهد و... نیز می‌توانند در تشکیل اتحادیه کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی نقش مؤثر وفعالی داشته باشند.

¹. United conference on trade&development

پیشنهادات برای تشکیل اتحادیه کشورهای آسیای جنوب غربی

۱- ایجاد بلوک بندی در چهارچوب اتحادیه در سطح منطقه آسیای جنوب غربی در قالب همکاری های متقابل: دوجانبه، و چندجانبه بین کشورهای منطقه) که بتواند مسیر این کشورها را از حالت «وابستگی مطلق»

نسبت به کشورهای توسعه یافته به «وابستگی متقابل» تغییر جهت دهد.

۲- اولویت بندی ساماندهی، به ترتیب ساماندهی اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و امنیتی، و دستیابی به نوعی سیاست خارجی و امنیتی مشترک بین کشورهای منطقه.

۳- تعامل ژئوپلیتیک منطقه ای (۴۲)، که این امر با تحقق تشکیل اتحادیه و وحدت رویه بین این کشورها حاصل می گردد.

۴- ایجاد اتحادیه اقتصادی ایران و پنج زیرسیستم در منطقه آسیای جنوب غربی (آسیای مرکزی و قفقاز، خاورمیانه، خلیج فارس و ایران، افغانستان و پاکستان)

الف) رابطه درونی میان کشورهای بزرگ منطقه از زیرسیستم های مختلف مانند ایران، عربستان، ترکیه، پاکستان و قزاقستان. این نوع رابطه، در مدیریت هژمونی منطقه، نقشی تقویت کننده و مقوم دارد و هماهنگی ها را سرعت بیشتری می بخشد.

ب) رابطه دوم، رابطه میان هر یک از کشورهای مذکور با کلیه کشورهای دیگر در زیرسیستم های منطقه است که رابطه ای عمومی است. عمدتاً از نظر سیاسی - اقتصادی درونزا بوده، اما از نظر امنیتی بیشتر برونزاست (مدل اتحادیه اروپا)؛ در این نوع هژمونی ها بعد اقتصادی، بر بعد امنیتی تقدم داشته است.

۵- تأسیس سازمان همکاری های منطقه ای:

الف) تشکیل شورای همکاری اقتصادی در منطقه با محوریت ایران با تکیه بر انرژی و تجارت و حمل و نقل.

ب) سازمان کشورهای تولیدکننده گاز مانند اوپک، براساس رهنمودهای مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌ان جمهوری کشورهای حاشیه خزر در اجلاس تهران.

پ) تشکیل شورای امنیت منطقه‌ای برای حل و فصل مناقشات منطقه‌ای.

ت) تشکیل دادگاه عدل اسلامی منطقه‌ای برای حل و فصل دعاوی منطقه‌ای؛ با توجه به پیشنهاد ریاست محترم جمهور هنگام حضور ماه‌های اخیر در اجلاس شورای همکاری خلیج فارس در آذرماه سال جاری.

ث) ایجاد پارلمان بین‌المجالس یا تأسیس پارلمانی مشابه پارلمان اروپا.

ج) ایجاد واحد پول مشترک مانند واحد پول مشترک اروپائی (یورو) توسط کشورهای منطقه برای بالا بردن قدرت پول ملی در مقابل ارزهای خارجی (دلار و یورو) و هماهنگی در سیاست‌های کلان اقتصادی و هدایت سیاست‌های پولی منطقه.

چ) ایجاد سازمان تجارت منطقه‌ای و بسط بیشتر اکوتا (توافقنامه تجارت آزاد منطقه اکو) بین کشورهای آسیای جنوب غربی، که با ارتقاء روابط حسنه، به نگرش کشورهای بدون مرز جغرافیائی در امر تجاری، بازرگانی و گمرکات، و... همانند پیمان ماستریخت اروپا و پیمان شینگن، نائل آیند.

ح) تأسیس بانک بین‌المللی اسلامی در منطقه با شرکت عضو اتحادیه، و حتی دیگر کشورهای اسلام و موسسات مالی وابسته به سازمان ملل متحد (بانک بین‌المللی عمران و توسعه^۱ (بانک جهانی) و صندوق بین‌المللی پول^۲).

^۱. International Bank of reconstruction & Development (World Bank)

^۲. Monetary Fund International

این پیشنهاد توسط صندوق بین المللی پول، نیز برای کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس به عنوان مقدمه‌ای به منظور تشکیل اتحادیه ارزی توسط کشورهای عضو شورای مزبور آمده است (روزنامه جام جم، ۱۳۸۶).

(د) ایجاد دانشگاه بین المللی و منطقه ای توسط کشورهای مزبور.

نتیجه گیری

تحولات سریع مناسبات جهانی بویژه پدیده جهانی سازی، شکل گیری قطب‌ها را در جهت افزایش همکاری‌ها و تعاملات سازنده و ارائه الگوی واحدی برای توسعه منطقه‌ای در حوزه آسیای جنوب غربی با توجه به وفور منابع انرژی (نفت و گاز)، و قرار گرفتن در جغرافیای ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیکی جهانی، شرایط سیاسی و امنیتی، و برخورداری از ۱۰٪ و ۱۴٪ جمعیت جهان ضروری ساخته، و می‌تواند به عنوان یک قطب نیرومند در سطح جهان مطرح و منشاء تحولات جدیدی در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، امنیتی، فرهنگی و... بوده و نقش مهم خود را در سطوح منطقه‌ای، فرامنطقه‌ای و بین‌المللی، در تقابل و همکاری با سازمان‌های بین‌المللی، دیگر کشورهای جهان ایفا نماید.

پیشینه‌های تاریخی، اشتراکات دینی، فرهنگی، و اجتماعی و برخورداری از منابع ملی و مواهب طبیعی، موقعیت ژئوپلیتیکی، قابلیت‌های تولید و نقش آفرینی منطقه در عرصه تحولات سیاسی و اقتصادی جهان و لزوم برقراری صلح، ثبات و امنیت در اتخاذ جمعی رویه‌ای واحد و درون‌زا بر همگرایی بیشتر کشورهای منطقه افزوده است.

موقعیت ژئوپولیتیکی خاص، نقش محوری در حل و فصل مناقشات منطقه، مسیر مناسب انتقال منابع انرژی، امنیت آفرینی، و استراتژی ملی سند چشم‌انداز بیست ساله، با عنایت به

استعداد، هوش و تحصیلات، دستیابی به فن آوری صلح آمیز هسته‌ای، تکنولوژی‌های نانو، تحقیقات سلول‌های بنیادی، و انجام کلونینگ (شبه سازی) در پزشکی، مقام اول جهانی صادرات بعضی محصولات کشاورزی و صنایع دستی، سدسازی و داشتن توان مدیریتی و قدرت اداره منطقه، اهمیت منطقه گرایی به کانون و مرکزیت ایران رادوچندان می‌نماید.

تأسیس سازمان همکاری‌های منطقه‌ای، اعم از همکاری اقتصادی، سیاسی و امنیتی، فرهنگی، علمی و... تشکیل سازمان کشورهای تولیدکننده گاز، شورای امنیت منطقه‌ای، دادگاه عدالت اسلامی منطقه‌ای، تأسیس پارلمانی مشابه پارلمان اروپا، تأسیس دانشگاه منطقه‌ای، برداشتن مرزهای جغرافیایی و گمرکات در امر تجارت آزاد و ایجاد واحد پول مشترک مانند واحد پول مشترک اروپائی (یورو) و... توسط کشورهای منطقه می‌تواند راهگشای برپائی و ایجاد کنفدراسیون منطقه‌ای باشد، به گونه‌ای که مسیر کشورهای منطقه را از حالت «وابستگی مطلق» نسبت به کشورهای توسعه یافته به «وابستگی متقابل» تغییر جهت داده و بعنوان یک قطب مهم در تصمیم گیری‌های منطقه‌ای و جهانی مطرح گردد.

منابع

- (اخوان بهبهانی، علی (۱۳۸۶/۹/۲۱). «نگاهی به گزارش توسعه انسانی ۲۰۰۸»، روزنامه جام جم، شماره ۲۱۶۹.
- (اسلام زاده، وحید (۱۳۸۶/۷/۲۸). «دمکراسی در آینه جهانی شدن»، روزنامه همشهری، شماره ۴۳۹۴.
- (پائول جابر وهمکاران (۱۳۷۰). منافع قدرت‌های بزرگ در خلیج فارس، مترجم مجید قهرمانی تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
- (پورهاشمی، افروز (۱۳۸۶/۱۰/۹). «خودتکایی در تولید محصولات راهبردی»، روزنامه همشهری، شماره ۴۴۵۳.
- (تقی زاده انصار، مصطفی (۱۳۸۰). حقوق سازمانهای بین‌المللی، تهران: نشر قومس.
- (تکمیل همایون، ناصر (۱۳۸۰). خلیج فارس تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ دوم.
- (تودارو، مایکل (۱۳۸۴). توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: انتشارات کوهسار، چاپ سیزدهم.
- (حاتمی، تورج (۱۳۸۲). برخورد منافع روسیه و آمریکا در آسیای مرکزی و قفقاز، تهران: انتشارات خورزن، چاپ اول.
- (رئیس دانا، فریبرز (۱۳۸۳). جهانی شدن قتل عام اقتصادی (واکاوی در بیست و پنج سال-جهانی سازی نو لیبرال و نو محافظه کاری)، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، چاپ اول.
- (رابرتسون، رونالد (۱۳۸۰). جهانی شدن: تئوری اجتماعی فرهنگی، ترجمه کمال پولاد، تهران: نشر ثالث، چاپ اول.
- (رحمانی، شمس الدین (۱۳۷۱). سه قاره، تهران: انتشارات حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- (روزنامه جام جم (۱۳۸۶/۱۰/۱۳). «پیشنهاد تأسیس بانک مرکزی خلیج فارس»، شماره ۲۱۸۷.
- (روزنامه همشهری (۱۳۸۶/۹/۱۷). «آخرین گزارش توسعه انسانی سازمان ملل»، شماره ۴۴۳۵.
- (زینعلی، شاهین (۱۳۸۶/۷/۷) «ایران فرهنگی، بستری برای همگرایی منطقه‌ای»، روزنامه اعتماد، شماره ۱۵۰۳.

- (سجادی، عبدالقیوم (۱۳۸۳). درآمدی بر اسلام و جهانی شدن، تهران: چاپخانه دفتر تبلیغات اسلامی پژوهشکده اندیشه سیاسی اسلام، چاپ اول.
- (سعیدیان، عبدالحسین (۱۳۷۱). کشورهای جهان، تهران: ناشر انتشارات علم وزندگی.
- (سلطانی، علیرضا (۱۳۸۶/۷/۲). «نقد واقع بینانه فرایند جهانی شدن»، روزنامه همشهری، شماره ۴۳۷۴.
- (شیخ عطار، علیرضا (معاون اقتصادی وزیر خارجه) (۱۳۸۴/۱۰/۱۰). «مهارت دیپلماتیک»، روزنامه همشهری دیپلماتیک، شماره ۸۰.
- (صانعی پور، محمود (۱۳۷۹). استراتژی جهانی شدن شرکت‌ها و موسسات، تهران: نشر سیمرخ.
- (طلوعی، محمود (۱۳۷۱). فرهنگ جامع سیاسی، چاپخانه حیدری نشر علم، تهران: نشر سخن.
- (عزتی، عزت اله (۱۳۸۴). ژئواستراتژی، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب انسانی (سمت).
- (فرانکل جوزف (۱۳۷۱). نظریه معاصر در روابط بین الملل، ترجمه وحیدبزرگی تهران: چاپ موسسه اطلاعات، چاپ اول.
- (کاکشاروف، آلکساندر (۲۰۰۶). «تهران، قدرت منطقه‌ای نیرومند»، روسیران باشگاه خبری تحلیلی ایران و روسیه ۲۰۰۶ - مجله «اکسپرت»، در ۶ مارس.
- (گاف، ریچارد؛ ماس، والتر و همکاران (۱۳۷۲). تاریخ مختصر قرن بیستم، جلد سوم، ترجمه خسرو قدیری، تهران: چاپ سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- (لطفی، حسین (۱۳۸۶/۸/۵). «تورم معضل جهانی»، روزنامه همشهری، شماره ۴۴۰۰.
- (مهرداد، جعفر (۱۳۸۶/۱۰/۳). «آهنگ رشد علمی ایران سریعتر از دیگر کشورهای اسلامی است»، پیک سنچس، شماره ۳۸، سال دوازدهم.
- (نعیمی ارفع، بهمن (۱۳۷۰). شورای همکاری خلیج فارس، تهران: چاپ و نشر دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی وزارت امور خارجه، چاپ اول.
- (هرزیگ، ادموند (۱۳۷۵). ایران و حوزه جنوبی شوروی سابق، ترجمه کاملیا احتشامی اکبری، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول.

29) www.bardianews.com

30) www.bashgah.net

31) www.iransharghi.com

32) www.iras.ir